

۱۷۱۱۱۲۳  
۱۷۱۱۱



۱۷۹۳



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

دیدگاههای کلامی هجویری

در کشف المحجوب

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد خاتمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر علی محمد سجادی

نگارنده:

اسماعیل گلرخ ماسوله

تابستان ۱۳۸۷

۱۰۶۹۳۰

دانشگاه شهید بهشتی  
مهر ۱۳۸۷  
۱۷/۶/۸۹  
دکتر احمد خاتمی  
دکتر علی محمد سجادی  
اسماعیل گلرخ ماسوله  
۱۷/۶/۸۹

کتابخانه  
دانشگاه شهید بهشتی  
کتابخانه مرکزی

۱۳۸۷ - ۱۱۰۱ - ۵

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش‌درآمد
۷	چکیده پایان نامه
۷	کلید واژه‌ها
۸	مقدمه
۱۱	<b>بخش اول: پیدایش و سیر کلام از آغاز تا قرن چهارم</b>
۱۲	فصل اول: سالشمار زندگی پیامبر (ص)
۱۷	فصل دوم: تعریف، موضوع، وجه تسمیه و فایده کلام
۲۰	فصل سوم: عوامل مؤثر در پیدایش کلام اسلامی
۲۸	فصل چهارم: مکاتب و آراء ایشان
۲۸	- شیعه
۳۵	- خوارج
۳۹	- مرجئه
۴۳	- معتزله
۵۰	- اشاعره
۵۸	- ماتریدیه
۶۴	<b>بخش دوم: دیدگاه‌های کلامی هجویری در کشف المحجوب</b>
۶۶	فصل اول: توحید
۶۷	- حدوث و قدم
۷۰	- جوهر و عرض
۷۲	قسمت اول: توحید
۸۰	قسمت دوم: ذات
۸۴	قسمت سوم: صفات
۸۹	- حیات
۹۱	- علم

- ۹۴ ..... قدرت
- ۹۶ ..... اراده
- ۹۹ ..... سمع و بصر
- ۱۰۱ ..... کلام خدا
- ۱۰۵ ..... بقا
- ۱۰۹ ..... رضا
- ۱۱۱ ..... قسمت چهارم: شرک
- ۱۱۳ ..... قسمت پنجم: حلول و اتحاد
- ۱۱۶ ..... وحدت وجود
- ۱۱۷ ..... قسمت ششم: رؤیت
- ۱۳۰ ..... قسمت هفتم: خیریت، توفیق، صلاح
- ۱۳۶ ..... قسمت هشتم: لطف و قهر
- ۱۳۷ ..... قسمت نهم: حسن و قبح
- ۱۳۹ ..... قسمت دهم: جبر و اختیار
- ۱۴۳ ..... قدرت و استطاعت
- ۱۴۵ ..... مسئولیت
- ۱۴۷ ..... قسمت یازدهم: قضا و قدر
- ۱۵۱ ..... قسمت دوازدهم: علت و سبب
- ۱۵۵ ..... قسمت سیزدهم: کسب
- ۱۶۱ ..... قسمت چهاردهم: قبض و بسط
- ۱۶۲ ..... قسمت پانزدهم: معرفت
- ۱۶۸ ..... الهام
- ۱۷۲ ..... قسمت شانزدهم: ایمان
- ۱۷۶ ..... قسمت هفدهم: انسان (انسانیت)
- ۱۷۹ ..... قسمت هیجدهم: جسم و روح
- ۱۸۰ ..... قسمت نوزدهم: نفس
- ۱۸۳ ..... فصل دوم: نبوت

۱۸۴	..... قسمت اول: نبوت عامه و نبوت خاصه
۱۸۷	..... قسمت دوم: عصمت نبی
۱۸۸	..... قسمت سوم: فضل انبیاء بر ملائک و ...
۱۹۳	..... قسمت چهارم: معجزه
۱۹۸	..... قسمت پنجم: شریعت
۲۰۱	..... قسمت ششم: معراج
۲۰۴	..... فصل سوم: معاد
۲۰۵	..... قسمت اول: معاد
۲۰۷	..... قسمت دوم: ثواب و عقاب
۲۱۰	..... - بهشت و دوزخ
۲۱۲	..... قسمت سوم: گناه (معصیت)
۲۱۵	..... قسمت چهارم: توبه
۲۱۹	..... قسمت پنجم: امر به معروف و نهی از منکر
۲۲۱	..... فصل چهارم: عدل الهی
۲۲۴	..... فصل پنجم: امامت
۲۳۱	..... نتیجه گیری
۲۳۸	..... بخش سوم: اصطلاحات کلامی کشف المحجوب
۲۵۰	..... فهرست اعلام (اشخاص، جایها، اقوام)
۲۵۶	..... فهرست کتابها
۲۵۷	..... فهرست آیات
۲۵۹	..... فهرست احادیث
۲۶۱	..... فهرست اقوال مشایخ
۲۶۳	..... فهرست منابع
۲۶۶	..... چکیده انگلیسی

## پیش درآمد

از میان اندیشه‌های انسانی، عرفان عرصه نگرش‌های شهودی و احساسات درونی است و درباره آن هرگز نمی‌توان ظنّ عقل‌گرایی از گونه تفکرات فلسفی و تعقلی محض داشت. عرفان شیوه‌ای مستقل و درون‌گرا (subjective) است؛ فارغ از رسم و راه مکاتب برون‌گرای (objective) فلسفی و تجربی که برای تنظیم دستگاه فکری خود نیازمند آن هستند که با عالم بیرون و مادی تماس و ارتباط هماهنگ و لاینقطع داشته باشند.

البته، شاید بتوان، در طول تاریخ اندیشه‌های فلسفی، بعضاً مکاتبی را سراغ گرفت که احتمالاً در نتیجه درآمدن به وادی نکته‌بینی‌های وسواس‌گونه، در نقطه‌ای نامعین از فرآیند شکل‌گیری خود، در گونه‌ای از تمایلات احساساتی مستحیل شده، رنگ و رویی عرفانی به خود گرفته باشند، مانند فلسفه ویتگنشتاین (Wittgenstein)، که در یک دوره، رگه‌هایی از معرفت عرفانی در آن یافت می‌شود. یا حکمت متعالیه ملاصدرای شیرازی که آمیخته به نگرش اشراقی است. اما یک مذهب عرفانی هرگز از شیوه وحدت‌نگرانه (pantheism) خود عدول نکرده، به روشهای تعلّقی رو نمی‌کند.

با این همه نمی‌توان انکار کرد که عرفان همواره یک پدیده اجتماعی بوده است و مانند پدیده‌های دیگر تحت تأثیر تحولات اجتماعی نموده‌های گوناگونی یافته است؛ گاهی در شرایط اجتماعی و اعتقادی ناسالم و بیمارگونه، مسیری قهقرایی و رو به ابتذال پیدا کرده، و گاه در فضایی سالم‌تر روندی ناب و روحانی‌تر داشته است.

در تصوف اسلامی، همین شرایط متحول باعث ظهور دغدغه‌هایی در برخی عرفا و صوفیه نامور شده است. بنابراین، ایشان بر آن شده‌اند، تا به قصد اصلاح طریقت تصوف و عرفان و زدودن آرایش‌ها و تهمت‌ها از دامن آن کتابهایی تألیف نمایند مانند: اللّمع از ابونصر سراج، طبقات الصوفیه از ابوعبدالرحمن سلّمی، رساله قشیریه از ابوالقاسم قشیری و کشف المحجوب از هجویری.

—

شایان ذکر است که ابوالقاسم قشیری کتاب خود را در قالب رساله و نامه‌ای نگاشته نسخه‌هایی از آن را به برخی بلاد ارسال کرد. و قصد او از این کار همانا اصلاح انحرافات و رفع فترت و سستی از تصوف بود. چنانکه خود می‌گوید: «و چشم همی‌داشتم که این فترت بگذرد و بریده گردد و به اصلاح آید. و مگر حق سبحانه و تعالی به فضل خویش بیداری‌پدیدآرد آن را که از این طریقه برگشت اندر ضایع کردن آداب این طایفه.»<sup>۱</sup>

از این رو، خود دلیل نگارش این کتاب را اینطور بیان می‌کند: «و این رسالت تعلیق کردم به شما- اگر مکم الله- و یاد کردم اندر وی بعضی از سیرت پیروان این طایفه (صوفیه) اندر آداب و اخلاق و معاملات و نیت‌های دل ایشان... تا مریدان این طایفه را قوتی بود و اندر نشر کردن این شکایت مرا تسلی باشد.»<sup>۲</sup>

بنابراین رساله قشیریه را شاید بتوان بیانیه‌ای دانست برای اهل تصوف تا بدان وسیله کسانی را که پی به حقیقت تصوف نبرده‌اند هدایت و منکران آن را متنبه گرداند. و هم از این روست که هجویری در کشف المحجوب در ردّ منکران تصوف می‌گوید:

«... و مرمنکران را گویی که: مرادتان به انکار تصوف چیست؟ اگر اسم مجرد را انکار کنند باک نیست که معانی اندر حق تسمیات بیگانه باشد. و اگر عین این معانی را انکار کنند. انکار کلّ شریعت پیغمبر-علیه‌السلام- و خصال ستوده کرده باشند.»<sup>۳</sup>

در هر حال گمان می‌رود، یکی از عواملی که در ظهور و تحمیل شرایط مذکور بر تصوف، تأثیر داشته، تأملات کلامی و چالش‌های اعتقادی در سرزمین‌های اسلامی بوده است که فرقه‌های کلامی آن را پدید آورده‌اند.

---

۱. رساله قشیریه، ابوالقاسم قشیری، ترجمه ابو علی حسن بن احمد عثمانی، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۸، ۱۳۸۳، ص ۱۱  
۲. همان، ص ۱۶  
۳. کشف المحجوب، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، به تصحیح محمود عابدی، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۸۴، ص ۶۰

تحت شرایط مذکور بود که تقریباً از بدو ظهور تصوف اسلامی، افرادی نظیر حسن بصری که هجویری وی را در ردیف اویس قرنی و هرم بن حیان، در زمره تابعین و اولین صوفیه به شمار می‌آورد، درباره اصول و بنیادهای آیین اسلام دغدغه‌ها و دل‌مشغول‌های باریک‌بینانه و دقیقی داشته‌اند.<sup>۱</sup> از این رو، همین حساسیت‌ها در روش صوفیانه ایشان نیز با غلظت زیادی تأثیر گذار بوده است. از این رو نمی‌توان تأثیر آراء کلامی را در تصوف اسلامی ندیده گرفت.

این تأثیر را نه تنها در روش صوفیه بلکه در همه آثار و متون فارسی هم می‌توان دید؛ اعم از متون منظوم و منثور عاشقانه و عارفانه. تأملی نه چندان عمیق در آثاری چون: مخزن‌الاسرار نظامی، مثنوی مولوی، غزلیات قلندران حافظ و حتی اشعار عاشقانه سعدی یا آثار منثوری چون مرصاد العباد و آثار صوفیانه دیگر، این حقیقت را بر ما آشکار می‌سازد.

### **موضوع:**

موضوع پژوهش دیدگاه‌های کلامی هجویری در کشف‌المحجوب است.

### **ضرورت:**

دلیل انتخاب این موضوع این است که محققان معمولاً متون عرفانی را بیشتر از منظر عرفانی بررسی می‌کنند. لیکن به نظر می‌رسد که نقد مبانی کلامی متون فارسی و تحلیل و شناسایی آنها می‌تواند در فهم و شناخت این آثار مؤثر باشد.

کشف‌المحجوب هجویری یکی از آثار سترگ و کم‌نظیر در زمینه نثر عرفانی فارسی است. این اثر- که به گفته نویسنده- یک اثر صوفیانه است و درباره «طریقت تصوف و کیفیت مقامات و بیان مذاهب و مقالات آن و رموز و اشارات ایشان»<sup>۲</sup> بحث می‌کند، در بر گیرنده مباحث مهم کلامی است که صاحب اثر- به دلیل همان اوضاع اعتقادی که بر جامعه اسلامی حاکم بود و صوفیه نیز بی‌تردید از آن برکنار

---

۱. در این مورد رک: همان، صص ۷-۱۰۶، نامه حسن بصری به امام حسن(ع) و پاسخ امام به وی.

۲. همان، ص ۱۰.



نبودند- آنرا را به رشته تحریر کشیده، آراء خود را در ضمن نقد و بررسی آشکار و پنهان آراء دیگران نقل کرده است.

بنابراین شناخت این مباحث و آراء برای درک بهتر و بیشتر کشف‌المحجوب لازم و تحقیق و پژوهش در آن ضرورت دارد.

### **پیشینه موضوع:**

اگرچه تاکنون تحقیقات گسترده‌ای در زمینه علم کلام صورت گرفته و بعضاً به مباحث کلامی در متون ادبی توجه شده است لیکن بحث مستقل و مستوفایی درباره تأثیر کلام در کشف‌المحجوب و نقد و بررسی آراء کلامی هجویری انجام نشده است. بنابراین، این پژوهش با موضوع آراء کلامی هجویری در کشف‌المحجوب بی‌سابقه است.

### **روش تحقیق:**

برای دستیابی به مذهب کلامی هجویری ناگزیر، دیدگاه‌های اعتقادی او درباره موضوعات و نحله‌های کلامی مورد نقد و بررسی قرار گرفت، سپس با آراء و عقاید متکلمین مقابله شد تا نتیجه قابل قبولی به دست آید.

برای این کار، برخی از کتب و منابع قدیم و جدید که در زمینه‌ی کلام تألیف شده‌اند، از نظر گذرانده شد. آنگاه، کتاب کشف‌المحجوب سطر به سطر مورد مطالعه قرار گرفت. (اگرچه پیش از آن فرصت مطالعه‌ی آن تا حدودی دست داده بود) آنگاه با استخراج صدها یادداشت از این کتاب، که زمینه‌ی کلامی داشته و نشان دهنده‌ی دغدغه‌های اعتقادی و مذهبی هجویری بود، مقدمات تحقیق درباره موضوع فراهم آمد.

پیش از ورود به موضوع اصلی؛ یعنی، بررسی دیدگاه‌های کلامی هجویری، مقدمه‌ای درباره‌ی سیر کلام در اسلام نگارش شد و در آن مقدمه درباره‌ی علم کلام و موضوع و غایت آن سخن گفته شد. همچنین عناصر و عوامل پیدایی کلام اسلامی کاویده شد. سپس به آراء برخی مکاتب که در پیدایش و نضج و پیشرفت کلام تأثیرگذار بودند اشاره گردید.

پس از این مقدمه به اصل و محور تحقیق یعنی آراء کلامی هجویری پرداخته شد و با نقد و بررسی جنبه‌های اعتقادی سخنان وی و مقایسه آن سخنان با عقاید نحله‌ها و متکلمین، سعی شد آراء کلامی او بطور مبسوط تبیین شود.

بنابراین، عقاید هجویری در چند فصل به نام‌های: توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت طبقه‌بندی شد، آنگاه موضوعات کلامی مندرج در کشف‌المحجوب در ذیل این فصول، در قسمت‌هایی متعدد، تحلیل گردید.

سپس در بخشی مجزا فهرستی از اصطلاحات کلامی مندرج در کشف‌المحجوب فراهم آمد.

### **منابع تحقیق:**

مهم‌ترین منابع و مآخذی که در کنار کتاب کشف‌المحجوب مورداستفاده قرار گرفته است عبارتند از:

- الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی
- الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی
- مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون
- الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، ابن حزم
- تاریخ فلسفه در اسلام، م.م. شریف؛ این کتاب حاوی مجموعه‌ای از مقالات در باب فلسفه و عقاید اسلام و ایران پیش از اسلام است.

- تاریخ علم کلام ، شبلی نعمانی

- و منابع دیگر

ضمناً برای تطبیق برخی عقاید هجویری با برخی از نظریات فلاسفه غربی از منابع زیر استفاده شد:

- تاریخ فلسفه، فریدریک کاپلستون

- سیر حکمت در اروپا، محمد علی فروغی

- عرفان و فلسفه، و.ت.ستیس

در این کار استاد فرزانه جناب آقای دکتر خاتمی راهبر و راهنمای نگارنده بوده‌اند.

ایشان در تمام مراحل تحقیق با جدیت تمام نویسنده را از رهنمودهای خویش بهره‌مند نموده، با سعه صدر و با صبر و حوصله‌ای زاید الوصف پرسش‌های وی را پاسخ گفته‌اند. همچنین با وسواس و باریک‌بینی نکاتی سازنده را یادآور شده، از این طریق اشکالات کار را اصلاح و مرتفع ساخته‌اند. از این رو، پاسداشت بزرگواری و زحمات ایشان بر نگارنده این سطور فریضه است.

همچنین از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر سجّادی که از مشاوره و رهنمودهای ایشان در اصلاح‌نظر خود بهره‌مند شده‌ام سپاسگزار هستم.

چنانچه نقاط قوتی در این نوشته باشد در سایه دانش و دلسوزی آن بزرگواران حاصل شده است و

اگر آثاری از ضعف و کم‌مایگی در آن دیده می‌شود، به سبب محدودیت توان و آگاهی نویسنده است.

## چکیده پایان نامه

این رساله شامل نقد و بررسی دیدگاه‌های کلامی هجویری است. در این پژوهش، نخست، کیفیت پیدایش و سیر کلام اسلامی را در حدّ نیاز آمده، سپس عقاید کلامی هجویری بر اساس کشف‌المحجوب استخراج شده است. بخش اول، که به پیدایش و سیر کلام می‌پردازد، شامل چهار فصل است: سالشمار زندگانی پیامبر اسلام (ص)، موضوع و غایت علم کلام، عوامل مؤثر در پیدایش کلام اسلامی، آراء مکاتب و مذاهب اسلامی. بخش دوم که عقاید کلامی هجویری را بررسی می‌کند و بخش اصلی این نوشته را تشکیل می‌دهد، شامل پنج فصل است: توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت. این فصل‌ها دربردارنده‌ی مباحث جزئی‌تر کلامی است. آنگاه در بخش پایانی اصطلاحات کلامی کشف‌المحجوب استخراج و فهرست شده است.

## کلید واژه‌ها:

- عرفان و تصوف

- کشف‌المحجوب

- کلام

- هجویری

از آغاز تمدن بشر تا امروز، امتهای و اقوام مختلف، آداب و سنن و تفکراتی داشته‌اند که فرهنگ ایشان را تشکیل می‌داده است. این فرهنگ نزد ایشان، تفکر و سنت غالب محسوب می‌شده است. هر یک از این اقوام را همین اندیشه‌های غالب و فرهنگ همگانی گرد هم آورده، اجتماع آنها را ثبات بخشیده است.

با این همه، آنچه در طول تاریخ این جوامع و اقوام را ماندگار کرده و در پایداری آنها نقش به سزایفا نموده، تداوم آن افکار و فرهنگ بوده است. لیکن هیچ فرهنگ و تفکری بدون اختلاف و دگرگونی به آن تداوم نرسیده است. اگرچه همراهی و هماهنگی بیشترین اهل آن فرهنگ با کلیت باورهای قومی و مذهبی، مهمترین عنصر وجودی آن قوم به شمار می‌آید.

بروز اختلاف در اندیشه و هنجارهای فرهنگی یک ملت، درحقیقت پای گشودن به عرصه‌های گونه‌گون و تازه باورهای انسانی است و کشف نایافته‌هایی که چه بسا در درون همان فرهنگ نهفته باشد. این نایافته‌ها و رازهای سر به مهر که کلید آن در دست نخبگان و ائمه مذاهب قوم است بر هیچ کس آشکاره نمی‌گردد، مگر در نتیجه پیدایش آن دگرگونی و تفاوت آراء، بعبارت دیگر، ظهور جلوه‌های گوناگون یک دین و فرهنگ تحت تأثیر اندیشه‌های سرشناسان و پیشوایان مذهبی و مکتبی هر قوم میسر است.

بی‌گمان در هر قومی، هر جا استعداد ایجاد تحول و ظهور تفاوهای فکری رنگ باخته، سرچشمه‌های ترقی و بالندگی فروخشکیده است. ابن حزم اندلسی در این مورد می‌نویسد: «در کشور ما چون فرقی مختلف وجود ندارد. در مسائل مربوط به عقاید گفتگو نمی‌شود و این سبب شده که علم کلام در اینجا مثل سایر علوم رونق ندارد.»<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ علم کلام، شبلی نعمانی، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، رنگین، ۱۳۲۸، ص ۴۳ به نقل از نفخ الطیب.

هم از این روست که از شارع مقدس اسلام روایت کرده‌اند که: اختلاف اُمّتی رحمةٌ و این امت بر سنت و تفکر و به عبارت دیگر، بر فرهنگ غالب دین اجماع دارد و در تداوم آن می‌کوشد. چنانکه وقتی از پیامبر درباره آن گروه نجات‌یافتگان از دوزخ می‌پرسند، می‌فرماید: ما انا علیه و اصحابی.<sup>۱</sup> یعنی آنچه من و اصحاب من بر آن اجماع داریم.

بنابراین، نظر پیامبر هم بر این بوده که گروه بر حق، در کوران حوادث از بین تمام این چندگانه نگرى‌ها، که بنا به فرموده‌اش، خود نعمتی است، بر همگان آشکار می‌گردد و گروه ناجی از گروه هالک پیدا می‌آید.

بهر آن است امتحان نیک و بد

تا بجوشد بر سر آرد زر زبَد (مثنوی، دفتر اول، ص ۱۲، بیت ۲۳۳)

بنابراین، مسلماً اعتقادات و تفکرات غالب یک قوم معیاری کلی است که اجزاء فرهنگ آن قوم به آن وابسته است و موجودیت این اجزاء موقوف به وجود آن معیار کلی است. لذا، آن ملاک و معیار اصلی هرگز نباید نادیده گرفته شود و مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد. بلکه تحولات فکری تحت شرایط گوناگون اجتماعی، اقلیمی و تاریخی روی می‌دهد که سبب ظهور متفرعات و شاخه‌های متفاوتی می‌شود. هریک از این متفرعات فکری و اعتقادی خود به نوعی با آن معیار کلی وابسته است. بنابراین، از جهاتی با هم اشتراکاتی دارند و از جوانبی دیگر افتراقاتی. از این رو، می‌توان گفت که این روابط و نسبتی که میان متفرعات یک فرهنگ هست و همچنین ارتباط همه آنها با کلیت فکری و آن معیار اصلی، خود باعث پیشرفت فرهنگها می‌شود. چه بسا که آن ملت می‌تواند از یافته‌های تازه مکتبها و نحله‌های جدید در جهت فربه کردن سنت و فرهنگ خود بهره برگیرد.

---

۱. همان

همچنین، آن گروه ناجیه که پیامبر از ایشان سخن می‌گوید. از آنجا که پا در طریق فلاح و رستگاری دارند، نمی‌توانند از بهره‌برداری از برخی ابعاد نیک آن مکاتب غافل بمانند. که قرآن خود به زبان عظمت به پیروان خود گوشزد می‌کند که: فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَ يَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.

( / )

با این حال ارزش وجودی و نهایی یک دین و فرهنگ منوط به وحدت نظر در اصول و بنیادهای سازنده آن است.

## بخش اول:

پیدایش و سیر کلام اسلامی از آغاز

تا قرن چهارم



## فصل اول

در این فصل علل و عوامل پیدایش کلام اسلامی و سیر تحول و گسترش آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. لیکن پیش از ورود به این بحث اشاراتی گذرا به سالشمار زندگی پیامبر (ص) تا زمان وفات او می‌شود.

### سالشمار زندگی پیامبر(ص):

پیامبر اسلام در هفدهم ربیع‌الاول عام الفیل، پس از مرگ پدرش عبدالله بن عبدالمطلب به دنیا آمد. با این وجود برخی محققین سال تولد او را ۵۷۱ میلادی می‌دانند و برخی دیگر سالهای دیگر را پیشنهاد می‌کنند. لیکن اکثر مورخان توافق دارند که پیامبر در عام الفیل، یعنی سال حمله ابرهه با سپاه فیلان به مکه، متولد شد.

مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی در کتاب تاریخ تحلیلی اسلام می‌نویسد: «این تاریخ (عام الفیل) اگر برای کسانی که خود آن حادثه را به چشم دیده‌اند روشن باشد، برای دیگران قطعی نیست. زیرا هم‌اکنون به درستی نمی‌توان گفت حادثه فیل در چه سالی بوده است.»<sup>۲</sup> سپس نظر نهایی خود را چنین اعلام می‌کند: «چون تاریخ‌نویسان رحلت پیامبر(ص) را در سال ۶۳۲ میلادی نوشته‌اند و او به هنگام مرگ ۶۳ ساله بوده، پس تولد او باید بین ۵۶۹-۵۷۰ میلادی باشد.»<sup>۳</sup>

با این وجود، صرف نظر از همه جزئیات مذکور که مورخان با وسواس مطرح می‌کنند، روایات شیعه وقوع ولادت نبی اسلام را در همان هفدهم ربیع‌الاول عام الفیل می‌دانند؛ در دوره طفولیت وی گروهی از زنان طایفه‌ای موسوم به بنی‌سعد بر طبق رسم مألوف هر سال، به مکه آمدند و محمد را به همراه نوزادان دیگر برای پروردن و شیردادن به قبیله خود بردند. دایگی محمد را زنی به نام حلیمه بر عهده گرفت؛

۱. تحقیقی در مسائل کلامی، اسعد شیخ‌الاسلامی، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹.

۲. تاریخ تحلیلی اسلام، سیدجعفر شهیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، ص ۲۹

۳. همان

کودک در چهار یا پنج سالگی به قبیله خود نزد مادر بازگشت. در شش سالگی مادرش آمنه بنت وهب وفات یافت.<sup>۱</sup> چندی بعد تقریباً با فاصله دو سال<sup>۲</sup> عبدالمطلب که تربیت او را بر عهده داشت. نیز از دنیا رفت و کودک یتیم در هشت سالگی به عمش ابوطالب سپرده شد. محمد نزد ابوطالب بزرگ شد و به زیرکی و امانت شهرت یافت.<sup>۳</sup>

وی در بیست و پنج سالگی با زنی بیوه و ثروتمند از قبیله قریش، بنام خدیجه بنت خویلد که چهل ساله بود ازدواج کرد.

محمد(ص) چهل ساله بود که از جانب خداوند برای زدودن شرک و تأکید بر یگانگی خدا و نفی بت‌ها به پیامبری مبعوث شد؛

او به دلیل شرایط اعتقادی و اجتماعی ویژه‌ای که بر اذهان قریش حاکم بود و بخصوص از سوی رؤسای طوایف مکه بر جامعه آن شهر تحمیل می‌شد. بالاچار پیامبری خود را پنهان می‌داشت و آن را به صورت سری تبلیغ می‌کرد. اما پس از مدتی درحالی‌که افراد معدودی دین او را پذیرفته بودند، مأموریت یافت رسالت خود را آشکارا ابلاغ کند. همین امر سبب شد فشار رؤسای قریش نسبت به او افزایش یابد.

در اثر آزار قریش، گروهی از مسلمانان در سال پنجم بعثت به حبشه هجرت کردند. پس از آن قریش مسلمانان را به محلی موسوم به شعب ابوطالب رانده، تحریم نمودند. پیامبر در شرایط بسیار دشوار تحریم ناگهان با گروههایی از قبایل اوس و خزرج، از شهر یثرب آشنا شد. آنها به دین او گرویدند. پیامبر و یارانش در سال سیزدهم بعثت، به دعوت مردم یثرب، به آن شهر هجرت کردند.

در غیاب مسلمانان، قریش اموال ایشان را تصاحب کردند و این امر سبب خشم مسلمانان شد. پس به فرمان پیامبر با کفار قریش به جنگ پرداختند. چند غزوه بین مسلمانان و قریش واقع شد که نخستین آنها بدر بود.

۱. بامداد اسلام، عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر، چ ۹، ۱۳۷۹، ص ۲۰

۲. تحقیقی درمسائل کلامی، ص ۱۳۹

۳. بامداد اسلام، صص ۲۰-۲۱

فتح مکه: تقریباً شش سال پس از هجرت، مسلمانان به قصد حجّ به سوی مکه رفتند اما چون قریش مانع ایشان شدند، پیمان صلحی بین مسلمانان و قریش بسته شد بنام پیمان حدیبیه که به نوعی یک فتح معنوی برای اسلام محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> اما به دلیل پیمان‌شکنی قریش، مسلمانان با سپاهی از مدینه به سوی مکه حرکت کردند و آن شهر را بدون جنگ و خونریزی و غارت فتح کردند.

ماجرای غدیر خم: رسول اکرم در سال دهم هجرت با عده‌ای بسیار و با تشریفات تمام مراسم حج را به جا آورد و در بازگشت از حج، در بین راه در جایی بنام غدیر خم توقف کرد و بر منبری از جهاز شتران رفت و علی(ع) را که از یمن آمده بود و در مراسم حج به او محلق شده بود با خود بر منبر برد. دست او را بالا برد و گفت: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً وَ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. سپس دعا کرد کسی را که او را یاری کند و نفرین کرد کسی را که او را دشمن دارد. «این ستایش و بزرگداشتی که از علی(ع) کرد. نوعی رأی اعتماد پیغمبر بود در حقّ علی. (ع) گرچه بعدها به علل گوناگون از این گردهم‌آیی و حدیث غدیر برداشته‌های گوناگونی کردند که همین امر در بروز بسیاری از اختلافات اعتقادی تأثیرگذار بود.

رحلت پیامبر: پیامبر اسلام (ص) پس از یک دوره بیماری در بیست و هشتم صفر (یا به قول اهل

سنت، دوازدهم ربیع‌الاول) سال یازدهم هجرت از دنیا رحلت فرمود.<sup>۲</sup>

### شورای سقیفه:

پس از رحلت پیامبر چند تن از نزدیکان و وابستگان او یعنی علی بن ابیطالب(ع)، دخترش فاطمه (س)، عباس بن عبدالمطلب، همسرانش و ..... در مراسم تدفین او کوشیدند. پس از آن بر وی نماز گزارند. مردم گروه‌گروه می‌آمدند و بر او نماز می‌خواندند. سپس آن جنازه مقدس را به خاک سپردند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۳۷

۲. همان، ص ۴۸

۳. همان، ص ۵۳

۴. همان، ص ۵۴

در همان روزهای رحلت پیامبر، درحالیکه مردم مرگ آن راهبر بزرگ اسلام را باور نمی‌کردند، «سایه اختلافات دیرین و تعصبات قدیم خاندان‌ها، که حتی برادران مهاجر و انصار را نیز رها نکرده بود، دوباره بر سر شهر پیدا شد. حتی پیش از آنکه پیغمبر را به خاک بسپارند در باب جانشینی او اختلاف پدید آمد.»<sup>۱</sup>

گروهی از بزرگان مهاجرین و انصار در محلی معروف به سقیفه بنی‌ساعده، برای تعیین جانشینی پیامبر گرد آمدند. انصار که بیم داشتند خلافت به دست مخالفان ایشان بیفتد، امیری از میان خود پیشنهاد کردند به نام سعد بن عباده از رؤسای خزرج، اما مهاجرین هنوز در این مورد به توافق نرسیده بودند و این در حالی بود که پیامبر علی بن ابیطالب (ع) را مکرراً و بار آخر در غدیر خم ستوده و در حقیقت سفارش‌ها کرده بود.<sup>۲</sup>

با این همه، جز مسأله خلافت که در همان روز وفات پیامبر تا حدی میان امت اسلام جدایی انداخت در هنگام وفات او مسلمانان در هیچ چیز دیگر اختلاف پیدا نکردند. چراکه، هرچند پیامبر خود دیگر در میان مردم نبود. امام دو یادگار برای ایشان باقی گذاشته بود که رهبر و راهنمای مسلمانان به شمار می‌آمد: قرآن کلام خدا و سنت. بنابراین، هم یاد پیامبر در دل قوم درخشان و زنده می‌ماند و هم دین او پاینده.<sup>۳</sup>

از این رو، اگرچه برخی از متکلمان نظیر مؤلف کتاب الفرق بین الفرق موارد دیگری از اختلافات را نشان می‌دهند که در هنگام وفات پیامبر پدید آمد، لیکن آن اختلاف نظرها در مدت یکی دو روز بعد از مرگ پیامبر حل شد. بنابراین، آن اختلافات را نمی‌توان در بروز چندگانگی اعتقادی و ظهور فرق کلامی موثر دانست.

---

۱. همان، ص ۶۹

۲. همان، صص ۷۰-۶۹

۳. همان، ص ۵۷